

کلام امام خمینی:

حضرت امام در بحث مفصلی با عنوان «عدم جواز تحصیل العجز عن الطهاره المائیه» می نویسد:

«أنه لا إشكال في أن التكليف إذا تعلق بعنوانين متقابلين، مثلًا كالمسافر والحاضر، والواجد للماء و الفاقده، وكذا إذا كان التعلق مشروطاً كما إذا قيل «إذا كنت في السفر فكذا، وإن كنت في الحضر فكذا» لا يجب على المكلف حفظ العنوان في الفرض الأول، وحفظ الشرط في الثاني، فيجوز تبديل أحد العنوانين بالآخر ورفع الشرط؛ سواء كان قبل تحقق التكليف وتجزه أو لا؛ لعدم اقتضاء التكليف حفظ موضوعه، ولا المشروط حفظ شرطه، فيجوز للحاضر السفر قبل الوقت وبعده، وللواجد إراقة الماء قبله وبعده.

كما لا ريب في أنه إذا توجه التكليف بنحو الإطلاق إلى المكلف، لا يجوز تعجيز نفسه؛ لأن القدرة ليست من القيود والعناوين المأخوذة في المكلف، ولا شرطاً للتكليف؛ لا شرعاً ولا عقلاً، لكن العاجز معذور في ترك التكليف المطلق الفعلي، فلو قال: «يجب على الناس إنقاذ الغرقى» لا يكون هذا التكليف المتعلق بالعنوان الكلّي، مشروطاً بحال القدرة شرطاً شرعياً، وإلا لكان للمكلف تعجيز نفسه، ولما وجب عليه الاحتياط في الشك في القدرة، وليس للعقل تقييد حكم الشرع، بل هو حاكم بمعذورية العبد عند مخالفة التكليف في صورة عجزه، وعدم معذوريته مع قدرته.

و توهم لزوم تعلق التكليف والبعث بالعاجز، قد فرغنا من دفعه في الاصول، **كما** أنه لو فرض استفادة وجود اقتضاء التكليف من الأدلة في صورة عروض عنوان على المكلف يوجب تعلق تكليف آخر به، يكون حكمه حكم العجز العقلي، كما لو فرض استفادة اقتضاء لزومي للطهارة المائيه أو الصلاة معها حتى في حال عروض فقدان الماء، فلا يجوز إراقتة أو تحصيل العجز في هذه الصورة أيضاً. هذا كله ممّا لا إشكال فيه.»^۱

توضیح:

۱. اگر تکلیف به دو عنوان تعلق گرفت (مسافر نماز را شکسته بخواند/ حاضر نماز را تمام بخواند) واجب نیست که مکلف خود را تحت یک عنوان حفظ کند (سفر نرود).
۲. فرقی هم نمی کند تکلیف منجز شده باشد یا نه، چراکه لازم نیست آدمی موضوع تکلیف را حفظ کند.
۳. پس حاضر می تواند سفر برود و واجد الماء می تواند، آب را دور بریزد.

۱. کتاب الطهارة (للإمام الخميني، ط - الحديثة)، ج ۲، ص ۱۱.





۴. اگر تکلیفی به صورت مطلق به مکلف تعلق گرفت، جایز نیست که مکلف خود را عاجز کند (چراکه قدرت شرط تنجز است).

۵. مثل همین صورت است، جایی که ادله می گوید یک تکلیف به صورت مطلق بر مکلف واجب است حتی اگر عنوان دیگری بیاید و تکلیف دیگری را بیاورد.

۶. [ما می گوئیم: بنا به نظر ایشان ۳ صورت فرض دارد:

الف) تکلیف روی دو عنوان رفته و مکلف می تواند از یک عنوان به عنوان دیگری برود.

• اگر مسافر هستی نماز شکسته بخوان.*

• اگر حاضر هستی نماز تمام بخوان

• اگر حاضر هستی نماز تمام بخوان

ب) تکلیف روی یک عنوان رفته ولی اگر قدرت نداری منجز نیست ولی فعلی هست.

ج) تکلیف روی یک عنوان رفته و مطلق است ولی در صورت عجز یک عنوان دیگر پدید می آید، پس به سبب عنوان اول تکلیف فعلی هست و منجز نیست و به سبب عنوان دوم، تکلیف دوم فعلی هست و منجز هست.

ایشان در فرض اول می گویند مکلف می تواند اگر خواست تغییر عنوان بدهد ولی در دو فرض دیگر نمی تواند خود را عاجز کند.

ما می گوئیم:

۱. کلام حضرت امام در حقیقت به این بر می گردد که: تکلیف یا روی یک عنوان رفته است (مثل

مسافر) و در این صورت در حقیقت، تکلیف مشروط است یعنی گویی شارع گفته است «اگر

مسافر هستی قصر کن» پس در اینجا سفر قید و شرط هیأت است و لذا مکلف می تواند مانع تحقق

شرط شود (مثل حج و استطاعت) ولی گاه وجوب به نحو وجوب مطلق است و عنوان (وجود آب)

قید ماده است یعنی شارع به نحو مطلق گفته است «نماز با وضو» به جای آور. در این صورت

ایجاد وضو واجب است.

حال: در همین فرض دوم اگر قدرت نداشتید تکلیف منجز نیست (روی مبنای امام) یا بگوئیم

تکلیف فعلی نیست (روی مبنای قوم که قدرت را شرط فعلیت می دانند) [توجه شود که تفاوت بین

این دو صورت (شرط ماده بودن و شرط هیأت بودن) روی هر دو مبنا قابل تصور است] اما در

همین صورت دوّم شارع گاه در فرض عدم قدرت تکلیف دیگری ایجاد می‌کند (آنچه به عنوان مورد «ج» در کلام امام مطرح شد) و گاه در فرض عدم قدرت تکلیف دیگری ایجاد نمی‌کند.

۲. حال سوال اساسی آن است که وجدان ماء آیا شرط هیأت برای وجوب وضو است یا شرط ماده است؟



درس خارج فقه اسلامیات سید حسن خمینی